



جامعه متخصصین نساجی؛

حوزه شناخته شده صنایع نساجی

- ❖ اغلب واحدهای بخش خصوصی دارای مدیریت متخصص یا با تجربه هستند که معمولاً شکایتی از وضعیت نامساعد صنعت ندارند.
- ❖ تولیدات انبوه و با کمترین تنوع برای صنعت نساجی کشور مناسب تر است.
- ❖ حداقل مزیت عضویت در جامعه، آشنایی با فارغ التحصیلان دیروز و متخصصین امروز صنعت نساجی است.

گفت و گو با دکتر عباس آیت‌اللهی - رئیس هیأت‌مدیره جامعه متخصصین نساجی ایران

اشاره

"اولین کسی بودم که نساجی را انتخاب کردم" تیتیر مصاحبه با دکتر آیت‌اللهی در شماره ۲۳ (سال ۱۳۸۲) دوماهنامه نساجی امروز بود که در این مصاحبه از تحصیل در دانشگاه پلی تکنیک، روزهای نخست تحصیل در این دانشگاه، هم‌دوره‌ای‌ها، تحولات علم نساجی، کارخانه‌های موفق نساجی در ایران و... سخن گفته بود. امروز پس از گذشت ۹ سال از آن مصاحبه، بار دیگر به بهانه انتخاب وی به عنوان رئیس هیأت‌مدیره جامعه متخصصین نساجی پذیرای وی در دفتر مجله شدیم و در مورد مسائل این تشکل، گفت‌وگویی انجام دادیم.

سوابق شغلی و تحصیلی در قالب فشرده!

متولد سال ۱۳۱۷ در یزد هشتم . پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در این شهر، سال ۱۳۳۶ راهی تهران شدم و در کنکور چند دانشگاه شرکت کردم و دانشگاه صنعتی امیرکبیر فعلی (پلی تکنیک سابق) را از میان دانشگاه‌هایی که موفق به قبولی در کنکور آن شده بودم؛ انتخاب کردم. این موسسه فعالیت خود را در مهرماه ۱۳۳۶ به نام "انستیتو تکنولوژی تهران" شروع کرد و تأسیس آن به همت بنیانگذار آموزش فنی و حرفه‌ای در ایران "زنده‌یاد مهندس حبیب نفیسی" بود که با کمک یونسکو بنا گردید.

هدف اولیه، تربیت دبیر فنی و حرفه‌ای برای هنرستان‌های کشور بود اما چون تمام دانشجویان

تمایلی به شغل شریف معلمی نداشتند! لذا در سال ۱۳۳۷ به ۲ موسسه "هنرهای عالی فنی جهت تربیت دبیرفنی" و "دانشکده صنعتی (پلی تکنیک تهران)" تقسیم گردید. هنرهای عالی فنی به نارمک انتقال یافت و به تدریج به "دانشگاه علم و صنعت ایران" فعلی تبدیل شد. پلی تکنیک تهران هم در سال ۱۳۵۷ به نام "دانشگاه صنعتی امیرکبیر" تغییر نام یافت. در آن زمان دو سال اول تحصیل به فراگیری دروس عمومی اختصاص داشت و انتخاب رشته در سال سوم انجام می‌شد همچنین ساعات درسی ۴۸ ساعت در هفته و تقسیم دروس نظری و عملی تقریباً به صورت یکسان بود.

در تابستان سال ۱۳۴۰ از دانشگاه فارغ التحصیل شدم و اولین سابقه کار صنعتی خود را کارآموزی





در گذشته تولیدکنندگان پوشاک از پارچه‌های تولید داخل در محصولات خود استفاده می‌کردند و به تدریج به دلیل تنوع بیشتر و قیمت مناسب‌تر پارچه‌های وارداتی، استفاده از پارچه داخلی روند نزولی خود را طی کرد و امروز غالباً پوشاک آماده از خارج کشور وارد و در فروشگاه‌ها عرضه می‌شوند.

تابستان ۱۳۳۹ و در پایان سال سوم دانشکده نساجی می‌دانم که دو ماه در کارخانه بافکار فعلی به مدت ۸ ساعت در روز کار می‌کردم. شروع کارآموزی با جارو کشی، تمیزکاری و روغن‌کاری ماشین، پیوند زدن نخ و بالاخره تعویض قطعات ماشین بود. در تابستان سال ۱۳۴۰ هم به مدت ۲ ماه در کارخانجات نساجی یزد کارآموزی نمودم. براساس تجربه شخصی، کارآموزی ضمن تحصیل را برای دانشجویان رشته‌های فنی به خصوص رشته مهندسی نساجی بسیار ضروری و اجباری می‌دانم زیرا در دوران کارآموزی، نگرانی و ترس دانشجو از ماشین‌آلات صنعتی و محیط کار از بین می‌رود و موجب ایجاد علاقه دانشجویان به کار در محیط‌های صنعتی می‌شود (به جای استخدام در فعالیتهای اداری و بازرگانی) حتی اساتیدی که دارای تجارب صنعتی هستند؛ در تفهیم مطالب فنی و رفع مشکلات دانشجویان در این حوزه، عملکرد به مراتب موفق‌تری دارند. در سال ۱۳۴۱ در دانشگاه صنعتی امیرکبیر استخدام و در سال ۱۳۸۰ بازنشسته شدم و در مجموع سابقه ۴۰ سال کار آموزشی و حدود ۲۰ سال فعالیت در رشته‌های مختلف نساجی با عناوین مختلف شغلی را در پرونده فعالیت‌های حرفه‌ای‌ام ثبت کرده‌ام.

ارزیابی شما از وضعیت صنعت نساجی چیست؟

به‌طور کلی کارخانجات را می‌توان به کارخانجات خصوصی، سهامی‌عام، دولتی و واحدهای تحت پوشش تقسیم‌بندی کرد که هر کدام می‌توانند دارای مدیریت متخصص یا غیرمتخصص باشند. به اعتقاد من اغلب واحدهای بخش خصوصی دارای مدیریت متخصص یا با تجربه هستند که معمولاً شکایتی از وضعیت نامساعد صنعت ندارند مگر

اینکه جهت هماهنگی با سایرین گالیه‌ای عنوان نمایند.

از طرف دیگر به دلیل تنوع‌طلبی مردم به‌خصوص جوانان و الگو گرفتن از رسانه‌های مختلف و جهت هماهنگی با سایر ملل، اعمال تغییرات سریع در تولیدات نساجی و پوشاک ضروری است. در اغلب موارد این تغییرات برای کارخانجات در زمان کوتاه عملی نیست و همچنین مستلزم هزینه زیاد است که در نهایت کالای ایرانی در مقایسه با مشابه وارداتی گرانتر تمام می‌شود و غالباً در فصل مورد مصرف هم به‌دست خریدار نمی‌رسد. امروزه در دنیا تغییرات طرح، رنگ و مد کالای نساجی حداقل ۴ بار در سال صورت می‌گیرد آن هم با تنوع فراوان هم در حوزه پارچه و هم در طرح و مدل لباس که به نظر من صنعت نساجی و پوشاک کشور نمی‌تواند از نظر ارائه محصولات متنوع و قیمت متناسب رقابت نماید این اختلاف به خصوص در مورد قیمت‌تمام شده محصولات نساجی کشور بیشتر ملموس است زیرا به دلیل وابستگی به واردات مواد اولیه و بهره‌وری عموماً پایین صنعت، گرانتر از قیمت محصولات وارداتی تولید می‌شوند؛ ضمن اینکه تنوع مورد نیاز مصرف‌کنندگان را نیز ندارند. بنابراین به نظر من تولیدات انبوه و با کمترین تنوع برای صنعت نساجی کشور مناسب‌تر است (این امر شاید در مورد سرمایه‌گذاران صنعت نساجی در تبریز صادق باشد).

در گذشته تولیدکنندگان پوشاک از پارچه‌های تولید داخل در محصولات خود استفاده می‌کردند و به تدریج به دلیل تنوع بیشتر و قیمت مناسب‌تر پارچه‌های وارداتی، استفاده از پارچه داخلی روند نزولی خود را طی کرد و امروز غالباً پوشاک آماده از خارج کشور وارد و در فروشگاه‌ها عرضه می‌شوند. بررسی دلیل این تغییر می‌تواند راهنمای خوبی برای پی بردن به هماهنگی صنعت نساجی کشور با صنعت نساجی روز دنیا باشد.

امروزه در دنیا مرسوم است که مردم کالای با کیفیت مطلوب، قیمت مناسب و مطابق با مد روز خریداری می‌نمایند و در اغلب کشورها زمانی که یک صنعت کارایی و سودآوری لازم را نداشته‌باشند؛ تولید آن را ترک کرده و سراغ تولید در صنایعی می‌روند که مناسب شرایط روز آن کشور و توان نیروی انسانی در دسترس و قابل رقابت کیفی و کمی باشد

به‌همین دلیل امروزه تولیدات رایج و روزمره صنعت نساجی در کشورهایی نظیر انگلستان و ایتالیا که روزی سرآمد نساجی دنیا محسوب می‌شدند؛ کنار گذاشته شده و نیازهای آنها و سایر کشورهای پیشرفته از کشورهایی نظیر ترکیه، چین و... غیره تأمین می‌شود. در این زمینه با آزادسازی تجارت موافقم زیرا مردم حق دارند کالای با کیفیت، ارزان و طبق سلیقه خود از نظر رنگ و مدل انتخاب و مصرف نمایند؛ البته در این میان باید شرایط سنتی و فرهنگی جامعه را نیز مورد توجه قرار داد.

به اعتقاد من، صنعت نساجی کشور در صورتی موفق است که به دنبال تولید محصولات کم‌تنوع و انبوه باشد زیرا در این صورت هزینه تولید نیز کاهش چشمگیری خواهد یافت به عنوان مثال پارچه‌های چادری، ملحفه، پرده‌ای، فرش، پارچه‌های صنعتی و... که کمتر تحت تأثیر مد قرار می‌گیرند. در مورد پارچه‌های چادری هم باید عنوان نمایم علیرغم تلاش‌های انجام شده از دهه ۶۰ تاکنون همچنان تولید چادر مشکی در ایران موفقیت‌آمیز نبوده‌است. نکته دیگر بهره‌مندی از مواد اولیه به‌خصوص پنبه است. همان‌طور که می‌دانید در دهه ۵۰ شمسی، میزان تولید سالیانه پنبه در کشور حدود ۱۵۰/۰۰۰ تن بود که مقداری از آن نیز صادر می‌شود. امروزه با وجود افزایش جمعیت کشور، حجم تولید این محصول به حداکثر ۶۰/۰۰۰ تن رسیده است. بنابراین جهت رفع نیاز بازارداخل، نیازمند پنبه‌های وارداتی هستیم که با توجه به افزایش نرخ ارز در نتیجه قیمت کالای داخلی به مراتب گرانتر از کالای مشابه خارجی تولید می‌شود. در مورد سایر مواد اولیه به‌جز مقدار معینی الیاف مصنوعی نیز وابستگی به واردات وجود دارد؛ پس باید انتظار داشت که قیمت تمام شده تولیدات نساجی کشور به مراتب گرانتر از کالای مشابه خارجی باشد. اجازه دهید به استفاده از مواد اولیه نامرغوب به‌خصوص رنگ در محصولات نساجی نیز اشاره نمایم که متأسفانه در بعضی تولیدات داخلی از رنگ‌های بسیار نامرغوب و کم ثبات (به دلیل قیمت ارزان) استفاده می‌شود به‌طوری که حتی در بعضی از فروشگاه‌ها، بوی نامطلوب رنگ پارچه تکمیل شده در فضای آن پراکنده است! بخش دیگر بررسی صنایع نساجی به نیروی انسانی متخصص (مهندسين نساجی و طراحان پارچه و لباس) اختصاص دارد. یکی دیگر از عوامل موثر





در حال حاضر جامعه متخصصین چهره شناخته شدهای محسوب می شود و در اغلب جلسات تصمیم گیری در حوزه صنایع نساجی از آن دعوت به عمل می آید و نظرات و دیدگاه های آن جدی گرفته می شود.

داوطلبی که برای رأی دهندگان آن قدر احترام قائل نیست که در جلسه مجمع عمومی حضور داشته باشد؛ چگونه انتظار دارد به عنوان عضو هیأت مدیره جامعه انتخاب شود؟!

در مورد میزان شناخت نهادهای و سازمان های مرتبط با نساجی هم باید عنوان کنم که در حال حاضر جامعه متخصصین چهره شناخته شدهای محسوب می شود و در اغلب جلسات تصمیم گیری در حوزه صنایع نساجی از آن دعوت به عمل می آید و نظرات و دیدگاه های آن جدی گرفته می شود.

و ارتباط جامعه با سایر تشکلهای نساجی چگونه است؟ این بحث قدیمی که ممکن است رقیب هم باشند یا فعالیت های موازی انجام دهند؛ همچنان مطرح است؟!

متأسفانه در سال های گذشته این طرز تفکر وجود داشت و اغلب افراد تصور می کردند وجود دو تشکل در یک صنعت، به معنای رقابت و فعالیت موازی است در حالی که خوشبختانه امروز این طرز تفکر در مورد جامعه متخصصین نساجی وجود ندارد و همگان به این شناخت رسیده اند که ماهیت، رسالت، کارکرد و اهداف تشکلی مانند انجمن صنایع نساجی که یک تشکل کارفرمایی است با ماهیت جامعه متخصصین به عنوان یک تشکل صنفی و تخصصی بسیار متفاوت است بنابراین این دو نه رقیب یکدیگر هستند و نه فعالیت هایشان در یک راستاست. در مورد اتحادیه تولید و صادرات نساجی و پوشاک نیز این تفاوت وجود دارد و تشکلی مربوط به تولیدکنندگان و صادرکنندگان کالاهای نساجی و پوشاک است و طبعاً دغدغه رفع مشکلات تولیدکنندگان را دارد و با تشکلی مانند جامعه متخصصین که با تلاش گروهی از مهندسين نساج برای ارتقای جایگاه متخصصین نساجی شکل گرفته؛ تفاوت دارد. نگاه

شغلی (دانشگاهی و صنعتی) به عنوان اعضای هیأت مدیره انتخاب شدند و چند جلسه هم تشکیل شد اما در ادامه به دلایل مختلف (شاید خودخواهی یا انحصارگرایی برخی) تشکیل جلسات هیأت مدیره متوقف و جامعه عملاً به تعطیلی کشانده شد.

خوشبختانه تعداد دیگری از متخصصین علاقه مند و دلسوز از جمله مهندس سیدمحمد مقدسی و همکاران ایشان در سال ۱۳۸۲ به فکر فعالیت مجدد جامعه و اقدام به تشکیل مجمع و انتخابات هیأت مدیره نمودند که با علاقه مندی و پیگیری های مستمر، انتخابات سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۸۵ و ۱۳۸۸ جامعه متخصصین نساجی برگزار شد. گرچه برخی از اعضای منتخب هیأت مدیره تعویض شدند اما تلاش آنان در شناساندن جامعه به سازمان ها و نهادهای ذیربط و همچنین ارائه خدمات رفاهی، آموزشی و ... ادامه یافت. همچنین جا دارد از تلاش های بی وقفه و دلسوزانه مهندس سیدشجاع الدین امامی رئوف در زمینه اطلاع رسانی و شناسائی فعالیت های جامعه به اعضا و سازمان ها، تشکر به عمل آورم.

در انتخابات سال ۱۳۸۵ به عنوان عضو هیأت مدیره انتخاب شدم اما چون در سال ۱۳۸۶ نتوانستم به طور مرتب در جلسات هیأت مدیره شرکت نمایم و خود را موظف به رعایت مقررات داخلی هیأت مدیره جامعه می دانستم از ادامه عضویت در هیأت مدیره استعفا دادم اما در انتخابات سال جاری، به لطف دوستان، بار دیگر به عنوان عضو هیأت مدیره انتخاب شدم و در نخستین جلسه هیأت مدیره نیز با حسن نظر اعضا، ریاست هیأت مدیره به بنده واگذار شد. لازم است به این نکته اشاره کنم که برخی از متخصصین انتقاد کرده اند که به چه دلیل در انتخابات اخیر هیأت مدیره، نیروهای جوان انتخاب نشده اند؟ در این مورد لازم به توضیح است که حدود ۳۰ نفر به عنوان نامزد هیأت مدیره معرفی شده بودند که اکثر حضار آنان را می شناختند، انتخابات نیز در شرایط کاملاً آزادانه برگزار شد پس نمی توان به رأی دهندگان خرده گرفت و عنوان کرد انتخاب آنها به دلیل عدم انتخاب افراد خاصی، نادرست است. ضمناً از میان ۱۴ نفر منتخب هیأت مدیره و بازرسان (اصلی و علی البدل) ۱۲ نفر آنها کمتر از ۵۵ سال سن دارند و همگی افراد مجرب، متعهد و آگاه در حوزه صنعت و مسائل اقتصادی و اجتماعی محسوب می شوند. سوال این جاست

در تولید محصولات با کیفیت و متنوع، وجود نیروی انسانی متخصص و توانمند اعم از مهندس نساج و یا طراح پارچه و لباس می باشد. همه ساله شاهد فارغ التحصیلی مهندسين نساج در کلیه گرایش ها از دانشکده های نساجی کشور هستیم اما متأسفانه درصد اندکی از آنان جذب صنعت می شوند و اغلب فعالیت خود را در حوزه های غیر صنعتی آغاز می نمایند. ممکن است این پرسش مطرح شود که آیا صنعت نیازی به فارغ التحصیلان جوان ندارد یا شرایط لازم برای بهره گیری از توان علمی و فنی آنها در کارخانه ها و واحدهای تولیدی مهیا نیست؟! در این مورد ایجاد هماهنگی میان دانشگاهیان و صنعتگران ضروری و اجتنابناپذیر است.

تعداد موسسات آموزشی عالی که تربیت طراحان پارچه و لباس را به عهده دارند؛ کافی به نظر می رسند ولی کمتر از توان، تخصص و اطلاعات آنها در واحدهای صنعتی استفاده می شود که یکی از دلایل این تفکر وجود محدودیت در ارائه طرح های جدید با رنگ های متنوع به دلیل محدودیت های فرهنگی و سنتی جامعه است. در نتیجه این متخصصین هم نمی توانند به نحو احسن از علم و ابتکار خود بهره برداری نمایند.

محور اصلی صحبت ما در مورد جامعه متخصصین نساجی است که انتخابات دوره چهارم آن مدتی پیش برگزار شد و شما به عنوان عضو هیأت مدیره و سپس رییس هیأت مدیره انتخاب شدید. به فعالیت های این تشکل اشاره نمائید .. و این که پس از گذشت ۱۲ سال از راه اندازی جامعه، میزان شناخت نهادهای، سازمان ها و وزارتخانه های مرتبط با صنعت نساجی با این تشکل صنفی در چه سطحی است؟

فرصت خوبی است تا در درجه اول از بانی اولیه جامعه متخصصین نساجی یعنی مهندس جمشید بصیری که حدود ۲۰ سال پیش با دعوت تعدادی از دست اندرکاران صنعت نساجی اعم از صنعتگران و دانشگاهیان، تهیه پیش نویس اساسنامه و اخذ مجوز از وزارت کشور هسته اولیه این تشکل را در کشور ایجاد نمود؛ تشکر و قدردانی نمایم. متعاقب تلاش های ایشان مجمع عمومی تشکیل و انتخابات برگزار شد که افرادی از تمام سطوح



با هم بودن آغاز است

با هم ماندن پیشرفت

با هم کار کردن موفقیت

مختصر به اساسنامه تمام تشکلهای نساجی بیانگر وجود تفاوتها و عدم رقابت آنها با یکدیگر است زیرا هر یک براساس تعاریف موجود، در یک حوزه فعال هستند.

"عضویت در جامعه چه نفعی برایم دارد؟!"
این جمله را ممکن است بارها به شوخی و جدی از متخصصین نساجی شنیده باشیم، پاسخ شما به این سوال چیست؟

حداقل مزیت عضویت در جامعه، آشنایی با فارغالتحصیلان دیروز و متخصصین امروز صنعت نساجی است و به همین دلیل فضای مساعدی جهت انتقال تجربیات، دانش و اطلاعات فنی و تخصصی با افراد مجرب و توانمند این صنعت در کشور ایجاد می شود و حتی می توان همچون یک مشاور مطلع و امین، از نظرات آنها در مسائل صنعتی بهره مند شد. مزیت بعدی، استفاده از خدمات و تسهیلات جامعه همچون بیمه درمانی، تورهای نمایشگاهی، دوره های آموزشی و ... است.

خدمت دیگر جامعه، کاریابی برای متخصصین و فارغالتحصیلان نساجی است که به دلیل ارتباط و آشنایی واحدهای تولیدی با این تشکل، نیازهای خود به استخدام نیروی متخصص را با جامعه در میان می گذارند. البته جامعه باید ارتباطات بیشتری با واحدهای صنعتی برقرار نماید تا در حوزه کاریابی، عملکرد بهتری داشته باشد.

ارتباط جامعه با دانشکده های نساجی در چه سطحی است و تا چه میزان می تواند در ارائه سرفصل های جدید و به روز نساجی به دانشکده ها کمک کند؟

متأسفانه تاکنون ارتباط چندانی وجود نداشته و شاید همکاران ما در دانشگاه تاکنون توجه اندکی به اظهارنظرات متخصصین و صنعتگران نشان داده اند. شخصاً هنگام تدریس در دانشگاه، سعی می کردم صاحبان صنعت را به دانشگاه بیاورم، تجارب و اطلاعات فنی آنان را به دانشجویان انتقال دهم و ارتباط نزدیکی در صنعت و دانشگاه رشته نساجی به وجود بیاورم که متأسفانه این امر دوام چندانی نداشت. بارها صنعتگران مشکلات فنی و تخصصی خود را با دانشگاه ها مطرح کرده اند و انتظار داشتند توسط دانشگاه بررسی شود منتها به نتیجه مطلوب

دست نیافتند.

مطلب دیگر این که در دنیای امروز تمام ماشین آلات صنعتی از حالت مکانیکی خارج شده اند و تمام اتوماتیک هستند و نیاز کمتری به کارگر و اپراتور دارند به همین دلیل باید تجدیدنظری در دروس دانشگاه شود تا دانشجویان با تکنولوژی های روز دنیا آشنا شوند البته طبق شنیده ها قرار است مطالعاتی در این زمینه انجام شود اما هنوز به نتیجه ای نرسیده است.

چشم انداز جامعه رسیدن به چه جایگاهی است؟

در میان فارغالتحصیلان و متخصصین نساجی، نهادها و سازمان های دولتی و غیر دولتی ذیربط کاملاً شناخته شود که البته این امر تا حدود زیادی محقق شده است و امیدوارم این آشنایی تداوم یابد. همچنین سامان دهی نظام مهندسی نساجی که طی ۵ سال اخیر تلاش های بسیاری برای تدوین آن انجام شده اما متأسفانه هنوز با مشکلات و موانع متعددی مواجه است. در این میان برخی تصور می کنند تدوین این نظام مانع فعالیت عده ای خواهد شد و یا یک خوان به خوان مشکلات نساجی افزوده می شود.

و سوال آخر این که هنوز دغدغه تدریس در دانشگاه را دارید؟

خیر! زمانی که فرد ۴۰ سال در یک محیط کار کند به خصوص در محیط دانشگاه، پس از مدتی تمام عناوین و مباحث درسی برایش حالت تکراری دارد و تصور می کند این مطالب تکراری را دانشجویان هم می دانند به همین دلیل ممکن است تمام مطالب درسی به دانشجویان منتقل نشود. مطلب بعد این که بهر حال استراحت و آرامش پس از ۳۰ سال خدمت برای افراد لازم است به همین دلیل در سال ۱۳۸۰ تقاضای بازنشستگی کردم و از دانشگاه خارج شدم و از آن زمان تا کنون دیگر تدریس نداشته ام ضمن این که به دلیل عدم پیگیری مباحث جدید نساجی، ممکن است اطلاعات علمی ام چندان به روز و مفید نباشد گرچه معتقدم تجربه صنعتی به خصوص در صنعت نساجی همچون تحصیلات و مباحث علمی برای مدرسین ضرورت دارد.

